



آرامش زندگی ام را مدیون همسرم هستم

پای صحبت‌های خانواده محمدصادق بیات، جانباز قطع نخاع و قهرمان ملی ویلچررانی

۲۲



دستیابی به آینده مطلوب در علم دینی با آینده‌پژوهی

گفت‌وگو با دکتر سیدمحمد تقی موجد ابطحی

۲۳



استعدادهایی که باید بالفعل شود

نگاهی به وضعیت انیمیشن‌سازی در ایران به بهانه برگزاری جشنواره پویانمایی تهران

۲۴

هلمشاه‌ها

دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۱ - ۶ خدی القعده ۱۴۴۳ - سال سی‌ام - شماره ۱۲۰۸۵



سیدمحمد دعایی، سرپرست روزنامه اطلاعات در گذشت

روزنامه اطلاعات؛ از امروز بدون «سید»

رسانه

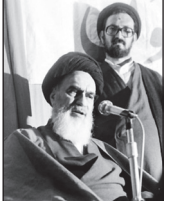
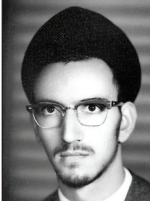
روز گذشته حجت‌الاسلام سیدمحمد دعایی، سرپرست روزنامه اطلاعات و از روحانیون انقلابی و همراهان امام خمینی (ره) در ۸۱ سالگی درگذشت به گزارش همشهری، عصر دیروز محافل خبری و رسانه‌های کشور خبر درگذشت یکی از دیرپاترین مدیران رسانه‌ای بعد از انقلاب را منتشر کردند. سیدمحمد دعایی، مرد خوشنام روزنامه اطلاعات از سال ۱۳۵۹ با حکم امام خمینی(ره) مدیریت قدیمی‌ترین روزنامه کشور را برعهده داشت. سیدمحمد دعایی، فرزند سیدمحمد در سال ۱۳۲۰ از پدری یزدی و مادری کرمانی در یزد متولد شد. وی در کرمان و قم تحصیل کرد. با نهضت امام‌خمینی(ره) در دهه ۴۰همراه شد و تحت تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و مخفیانه به

عراق مهاجرت کرد. فعالیت‌های سیاسی او در عراق، اروپا و کشورهای آسیای غربی او را به چهره شناخته‌شده‌ای در بیان اهداف و آمال انقلاب اسلامی تبدیل کرد. او سال‌ها نقش سخنگوی نهضت را بر عهده داشت. سیدمحمد دعایی بعد از انقلاب به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق عازم بغداد شد، اما به سرعت به کشور بازگشت. وی در اردیبهشت ۱۳۵۹ به سرپرستی مؤسسه اطلاعات منصوب شد. او در دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده مردم تهران وارد مجلس شد. ایشان در گفت‌وگویی با سایت تاریخ ایرانی نحوه متولد شد. وی در کرمان و قم تحصیل کرد. با نهضت امام‌خمینی(ره) در دهه ۴۰همراه شد و تحت تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و مخفیانه به

به مؤسسه اطلاعات بروید، پیشنهاد کرد که من با حکم آقای بنی‌صدر به روزنامه اطلاعات بروم که من به ایشان گفتم: من حکم آقای بنی‌صدر را نمی‌پذیرم. من از اول هم گفتم طلبه‌ای هستم تابع آقا و اگر امر به و حکم ایشان نباشد، من به اطلاعات نمی‌روم. ایشان گفت که ما حکم امام را هم برای شما خواهیم گرفت؛ منتها الان مصلحتی اقتضا می‌کند که شما با حکم بنی‌صدر به روزنامه اطلاعات بروید؛ ایشان آن مصلحت را هم شرح داد. من گفتم که تنها با حکم ایشان (بنی‌صدر) نمی‌روم، حکم حضرت امام را هم می‌خواهم. ایشان گفت: بسیار خوب ما آن حکم را هم به شما می‌دهیم، ولی اجازه بدهید که اول بنی‌صدر به شما حکم بدهد، من هم موافقت کردم.» درباره مؤسسه اطلاعات توضیح می‌دهند: «آنچه را که

اطلاعات در این ۸۵ سال عرضه کرده، نمره زحمت بسیاری از شخصیت‌ها، عناصر، افراد و کسانی است که با نام‌آور بودند یا گمنام؛ از آن کارگر ساده‌ای که در اطلاعات چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب زحمت کشیده و چه آن شخصیت فرهیخته‌ارجمندی که مسئولیت‌های بالای فرهنگی، فکری و اداری مؤسسه را عهده‌دار بوده، حرمت این افراد طبیعتاً باید حفظ شود، نباید اینها را فراموش شوند، ارجمیت دارند و اگر اطلاعات افتخار، دستاورد و حضوری دارد، رهن‌فداکارهای و از خودگذشتگی‌ها و دستاوردهای فکری و قلمی و حضوری این نازنین‌هاست. خداوند وجود همه آنها را حفظ کند و به من توفیق دهد که قدران نعمت وجودشان باشم...»

کرده و مقام ارجمند بعدی که نصب ما را تنفیذ کرده، از ماضی باشند و قبل از او و پیشاپیش او پیش وجدان خود، ولی عصر(عج)، تمام مقدسات و پاکان و خوبانی که ما به آنها احترام می‌گذاریم و معتقد هستیم، سرافراز باشیم و بجایی نکرده باشیم...» رویه میانه‌رو و خوی نرم و همراهی همیشگی سیدمحمد دعایی همیشه مورد توجه اهل رسانه بوده؛ به‌طوری‌که همیشه روزنامه اطلاعات محل حضور نخبگان و نویسندگان برجسته کشور بود که این حضور حاصل سیاست‌های دعایی بود. روزنامه همشهری در گذشت حجت‌الاسلام سیدمحمد دعایی را به مردم ایران و همکاران تسلیت می‌گوید. روحش و یادش گرامی.



مرگ تدریجی تماشاگران کنسرت

افزایش قیمت بلیت کنسرت سبب شده که این محصول از سید فرهنگی خانواده‌ها حذف شود



تجربه «سی» و «سی‌صد» در سعدآباد

با اینکه افزایش قیمت در کنسرت‌ها دیده می‌شود، این چند روز قیمت بلیت نمایش —کنسرت «سی‌صد» سر زبان‌ها افتاده است؛ کنسرت —نمایشی که قیمت بلیتش از ۷۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا سقف ۶۹۵ هزار تومان هم می‌رسد. محل اجرای کنسرت —نمایش فضای باز کاخ سعدآباد است؛ جایی که یادآور اجرای نمایش «سی» با همکاری مشترک همایون شجریان و سهراب پورناظری در سال ۹۶ بود. آن موقع هم به نسبت تورم همان سال، قیمت بلیت «سی» خبرساز شد و در نهایت با حضور تماشاگران زیاد روی صحنه رفت؛ هر چند آن زمان هم خیلی‌ها دوست داشتند و نتوانستند به تماشای نمایش بنشینند. حالا هم

«سی‌صد» در جواب «سیدصد»

بعد از ۵ سال، سهراب پورناظری این بار با کارگردانی امیر جدیدی قرار است کنسرت —نمایش «سی‌صد» را که به‌گفته سازندگانش پاسخی به پروژه ضایرانی «سیدصد» است از اواخر خرداد اجرا کند. «سی‌صد» براساس نوشته‌ای از ری بردبی طراحی و تدوین شده است و به موضوع کتاب‌سوزی و نسل‌کشی مغول‌ها

سی‌صد چقدر پیش‌فروش داشته؟

روزهای خرید بلیت این کنسرت —نمایش در سایت اعلام شده و نشان می‌دهد که هنوز خرید بلیت‌هایش کامل نشده و جایگاه تماشاگران فروش کاملی در فضای باز کاخ سعدآباد به‌دست نیاورده است. کف بلیت این کار ۷۰۰ هزار تومان است که براساس جایگاه‌های مختلف به ۱۵۰ و ۱۷۰ هزار تومان می‌رسد. جایگاه اصلی ۶۹۵ هزار تومان است و البته به‌نظر هر جایگاه مشخص شده قیمت مختلفی دارد که از ۶۰۰ هزار تومان شروع می‌شود. برای جایگاه‌های میانی هم قیمت بلیت ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان تعیین شده که وقتی اقدام به خرید می‌کنید این رده قیمت در ۳ روز اول اجرا تقریباً پر شده است. با توجه به تعیین قیمت بلیت توسط گروه اجرایی، انگار تلاش شده که دست تماشاگر برای خرید با توجه به بودجه‌ای که دارد باز باشد، اما به‌طور حتم تماشاگری که در جایگاه ۷۰۰ هزار تومانی نشسته نمی‌تواند لذت تماشای کنسرت —نمایش را به اندازه کسی که در جایگاه ۷۰۰ هزار تومانی نشسته تجربه کند. با این حال قرار است این کنسرت —نمایش با همه ستار گانش اجرا شود و اگر کسی می‌خواهد برای تماشای این کار ساعت ۲۱ به کاخ سعدآباد برود، حتماً لباس گرم همراه داشته باشد!

تشییع خانواده سلطانی



مراسم تشییع پیکر همسر و فرزند حامد سلطانی، مجری صداوسیما در بیرجند برگزار شد. به‌گزارش همشهری، روز گذشته مراسم تشییع پیکر محمدمهدی سلطانی‌وقافزه سلطانی مجری صداوسیما و عضو جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد. این مراسم در بهشت متقین برگزار شد که با حضور خیل عظیمی از مردم این شهر همراه بود. حادثه تصادف ارانندگی برای حامد سلطانی و خانواده‌وی چندروز پیش رخ داد و در جریان آن همسر و پسر سلطانی جان خود را از دست دادند. همچنین دختر ۸ ساله این هنرمند دچار شکستگی و خود او دچار جراحات شده است. آخرین برنامه حامد سلطانی اجرای برنامه بزرگ سلام فرمانده در اسنادیوم آزادی تهران بود.

■ ■ ■

مستوران روی آنتن



فصل نخست سربال «مستوران» از امروز روی آنتن تلویزیون خواهد رفت. به‌گزارش همشهری، بخش سریال «مستوران» به کارگردانی سیدجمال سیدحاتمی و تهیه‌کنندگی آپ‌پرور و تهیه‌کنندگی عطا پناهی، از دوشنبه، ۱۶ خردادماه، ساعت ۲۲ در شبکه یک سیما آغاز خواهد شد. «مستوران» در بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر مختلف تصویربرداری و فصل نخست این سریال در ۲۶ قسمت و با نگاهی به داستان‌های کهن ایرانی ساخته شده است. حمیدرضا آذرنگ، نازنین فراهانی، رویا میرعلی، الهام جعفرزاده، عباسی یوسنی‌پور، رابعه اسکویی و علی‌دهکردی از جمله بازیگرانی هستند که در فصل نخست «مستوران» مقابل دوربین قرار گرفته‌اند. مستوران تازه‌ترین محصول سازمان هنری — رسانه‌ای اوج، برگرفته از قصه‌های کهن ایرانی است.

■ ■ ■

وداع با صباغی



مهدی صباغی، هنرمند پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون، به دیار باقی شتافت. به گزارش همشهری، مهدی صباغی مدتی پیش در بیمارستان بستری شده بود که پس از بهبودی به منزل بازگشت، اما به دلیل عوارض سنگه ۱۳-خردادماه در بیمارستانی در کرج از دنیا رفت. او در فیلم‌های مشتاب روی سسکو، آخرین نقش، راننده تاکسی، عاشق، ستاره‌ها(جلد ۲: ستاره است)، ستاره‌ها(جلد ۳: ستاره بود)، کافه ستاره، گل‌بخ، صورتی‌و... به ایفای نقش پرداخت. مهدی صباغی با نام مستعار «فیروز» متولد ۱۳۲۰ در مشهد، خاطرات بسیاری در تلویزیون، رادیو، تئاتر و سینما برآیناد رفته است. یکی از افتخارات صباغی، این بود که در چهارمین جشنواره تئاتر فجر برای بازی در نمایش «پیشنهاده» به کارگردانی جواد اردکانی، مقام نخست را بدست آورد. در رادیو نیز او علاوه بر تلاش‌هایی که برای احیا و معرفی لجه مشهدی کرد، توانمندی این اثر داشت که با ۹ لجه گوناگون صحبت کند. مهدی صباغی در قطعه هنرمندان بهشت رضا (ع) مشهد به خاک سپرده شد.



بزرگداشت چهلمین روز درگذشت «محمدعلی اسلامی ندوشن»

خاطره‌نگار قوم ایرانی

یکی از ارکان فرهنگ ایران معاصر فرو ریخت. آنکه از قلب اقلیم ایران برآمد و نزدیک به یک قرن —اندکی کمتر— تار و پود تاریخ و فرهنگ و هنر و ادب ایران را کاوید و به ژرفا رفت و کوشید در حد بضاعت خویش نسبتی میان سنت‌ها و آداب ایرانی و دنیای مدرن آن ایجاد کند و نگذارد ۲۰۰ سال عشق و خرد، ماده و معنویت، دنیا و آخرت هیچ کدام از خاطرها برود که رفتن هر کدام سقوط قطعی «فقتوس ایران» و مردمانش را با خود خواهد داشت. محمدعلی اسلامی ندوشن از آن دسته روح‌های تشنه جست‌وجویی بود که بی‌تابانه از کویر گونه‌ای دورافتاده برمی‌خیزد و با همت و درایت و پشتکار تا اوج قله‌های ممکن استعدادی خویش فرامی‌رود. از رشته حقوق آغاز کرد و بعد دل به ادبیات داد و شاعر شد و چون شعرش را در اوج ندید رها کرد و سرسپرد به نوشتن و ثبت یافته‌ها و خاطرات دیروز و امروز خود و ایران.

جهان را گشت و آنچه در نگاهش نیکو بود برگزید و برای ایران به ارمغان آورد تا در جان و جهانش بریزد و از اینجا ر مغانی سازد برای آنجا.

در هیچ امری ذوقن و متخصص نبود اما ذوقنونی بود که با جامعیت خود نگاه‌های تازه و کمیابی به تاریخ و فرهنگ و ادب و جامعه داشت و داد و این، کم‌معنی نبود برای مردمانی که غالباً تقلید و تکرار خمیرمایه کار حتی بزرگان‌شان است...

ارزش کار و نگاه ندوشن به گمان من در ۲ چیز بود: تیزبینی منحصربه‌فردی که از تأملات ممتدش در سنت و داشته‌هایش ریشه می‌گرفت و با تجربه زیسته و سفرهایش در دنیای امروز گره می‌خورد و دیگر نثر ممتاز و منحصربه‌فردی که یافته‌هایش را به شایسته‌ترین شیوه‌ای آفتابی می‌ساخت. از همین روی بود که مثلاً نخستین‌بار، جدی‌ترین نقد را او بر افکار اقبال لاهوری فرود آورد که «نیای اشعار و آثارش با همه زیبایی‌ها، خیلی ذهنی ایده‌گرایانه است و غیرقابل تحقق!» در کتاب دیدن دگر آموز و شنیدن دگر آموز.

و گفته‌ها و یافته‌های من ربط با مولانا خصوصاً در مقامات و مقالات مریدانی چون افلاکی و مناقب‌العارفین عمدتاً تازه شیفتگی آنان به مولاناست. در کتاب «باغ سبز عشق» و صداها نکته دیگری در حدود ۴۰۰ کتاب خود آورده است خصوصاً در «داستان داستان‌ها» و تحلیل خاص و ممتازش از رستم و اسفندیار و...

البته گهگاه دلدادگی عمیقش به فرهنگ ایران و ایرانی، داشته و یافته‌های دیگران را در نگاهش کمرنگ‌تر از آنچه بود می‌ساخت و مثلاً از آزادی مجسمه در غرب می‌گفت به جای مجسمه آزادی و یا بسیاری از شخصیت‌ها و آثار ادبی ما را برتر از دیگران می‌دانست و امثال آن....

ندوشن نمونه یک ایرانی آزاده و فرهیخته بود که با همه وجودش در پی ابدی و آزادی ایران بود. من دانش آموزی بودم که با نوشته‌هایش آشنا شدم و دلداه دیدارش... تا آنگاه که استاد شد در دانشگاه تهران و در درس «تحقیق در مکتب‌های ادبی جهان» و هم‌کلامی و همراهی با او و حضورش، غنیمتی برای جانم....

من او را «خاطره‌نگار قوم ایرانی» می‌دانم که سیم‌رخ‌وار غم‌خوار زال و زودایران‌بود و یک آن از یادش نمی‌پردا و اکنون هیچ نمی‌دانم که آیا این فرهنگ و وطن، با این اوضاع و احوالی که دارد هنوز هم می‌تواند فرزندانم بیاورد که از مادر خویش خاطره‌های خوش داشته باشند و فردا فراموش نکنند و در یاد‌هایش نسازند؟